



A critical analysis of orientalists' doubts about jihad in the qur'an

Reza Jafari¹

Abstract

Islam is the last divine sharia and the Holy Qur'an is the last book revealed by God to the last prophet, though a group of Orientalists have widely raised doubts about the verses concerning jihad in the Qur'an. Of course, there are Orientalists who have considered the Qur'an and its followers free from these accusations and have mentioned significant points on these false statements. This article tries to analyze some of the Orientalists' doubts about jihad in Islam with a critical approach. Of course, the suspicions of the Orientalists are based on the brutal and violent actions of Salafi and Takfiri groups organized by some Western governments, which, with their financial support and weapons, have led these groups to create terror in the world which is spread all over the world [falsely] in the name of Islam. The results of the research show the divinity and rationality of Islamic commands regarding jihad and the baselessness of Orientalists' doubts in this regard, and that violent groups such as al-Qaeda, ISIS, Salafis, other takfiri groups such as Wahhabism, etc., which have no significant connection with true Islam.

Keywords: Islam, Quran, Orientalists, War, Jihad.



پښتو ښکته ځاښه علوم انساني و مطالعات فرښکته
پرتال جامع علوم انساني



تحلیلی انتقادی بر شبهات خاورشناسان درباره جهاد در قرآن

رضا جعفری^۱

چکیده

اسلام، آخرین شریعت آسمانی و قرآن کریم، آخرین کتابی است که از جانب خداوند بر خاتم پیامبران نازل شده است و گروهی از مستشرقان، شبهاتی به صورت گسترده پیرامون آیات ناظر بر جهاد در قرآن مطرح کرده‌اند. البته هستند مستشرقانی که قرآن و پیروانش را مبرا از این شبهات دانسته و در تنزه آن از این سخنان نادرست، نکات قابل توجهی ذکر نموده‌اند. این نوشتار به روش کتابخانه‌ای کوشیده است پاره‌های شبهات مستشرقان پیرامون جهاد در اسلام را با رویکردی نقادانه، واکاوی کند. البته دست‌مایه شبهات مستشرقان، اقدامات وحشیانه و خشونت‌آمیز گروه‌های سلفی و تکفیری سازماندهی شده توسط برخی دولت‌های غربی است که با پشتیبانی مالی و تسلیحاتی از آنان، این گروه‌ها را در جهت ایجاد رعب و وحشت در جهان به نام اسلام در سراسر جهان پراکنده‌اند. نتایج تحقیق نشانگر الهی و عقلانی بودن فرامین اسلام در خصوص جهاد و بی‌بایه بودن شبهات مستشرقان در این راستا بوده و اینکه گروه‌های خشن و قسی‌القلب نظیر: القاعده، داعش، سلفیون، گروه‌های تکفیری دیگر مانند وهابیت و... هیچ‌گونه ارتباط معناداری با اسلام حقیقی ندارند.

واژه‌های کلیدی: اسلام، قرآن، خاورشناسان، جنگ، جهاد.

۱. مقدمه

یکی از احکام قرآن، موضوع «جنگ» است. قرآن کریم نیز به عنوان آخرین کتاب آسمانی، از این موضوع غافل نبوده و آن را تحت شرایطی جایز دانسته است. از آنجا که فرامین قرآن با منافع افراد و گروه‌هایی تمامیت‌خواه در تضاد بوده، همواره مورد مخالفت آنان قرار گرفته و به‌منظور کم فروغ نمودن پیام روشن‌گر آن، به تشکیک در مبانی و احکام آن می‌پردازند (المدرثر / ۲۵-۱۶؛ القلم / ۱۵-۱۰) و با چنگ زدن به هر وسیله در جهت بدبین کردن جامعه به قرآن و اسلام کوشیده و نسبت‌های ناروایی پیرامون قرآن مطرح کرده‌اند. شبهه‌افکنی مستشرقان پیرامون مسائل مختلف قرآنی با هدف اسلام‌هراسی و قرآن‌ستیزی، از این دسته اقدامات بوده و عمده‌ترین شبهه آنان این است که اسلام بر پایه جنگ و خونریزی استوار است و با سازماندهی برخی نحله‌های انحرافی در میان فرق اسلامی نظیر وهابیت و اخیراً القاعده و داعش، که اقدامات خشن و تروریستی را در نقاط مختلف جهان منتشر می‌کنند، در این هدف تاحدودی موفق شده‌اند. بنابراین، مسأله اصلی این نوشتار، اثبات نزاهت قرآن کریم از این نسبت‌های ناروا و یافتن پاسخ منطقی به شبهات مستشرقان پیرامون جهاد در اسلام و زدایش هرگونه گرد و غبار و هاله‌های دروغین از چهره پاک و نورانی اسلام ناب محمدی (ص) است.

همچنین به‌منظور پاسخ به این شبهه سعی شده است که برخی از شبهات مستشرقان پیرامون جنگ و جهاد در اسلام را مطرح و از طریق مطالعه کتابخانه‌ای، بی‌اساس بودن این شبهه‌ها را اثبات و چهره پاک اسلام را از گرد و غبار این هاله‌های دروغین پاک نماید. برای انجام این پژوهش که از نظر هدف کاربردی، از نظر داده‌ها کیفی و از نظر ماهیت و مطالعه انتقادی و در عین حال پیمایشی است، نظرات تعدادی از مستشرقان معاند با اسلام و برخی مستشرقان موافق اسلام، به‌عنوان جامعه اسنادی تحقیق انتخاب شده و مسأله اصلی پژوهش از نگاه این دو دسته مورد ارزیابی قرار گرفته است که با توجه ماهیت تحقیق، که توصیفی — تحلیلی است، روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای بوده و با فیش‌برداری از نظرات خاورشناسان و تحلیل و تفسیر این نظرات، مطالعه حاضر شکل گرفته است.

۱- ۱. تعاریف

در این بخش از مطالعه، متغیرهای اصلی که بیشترین استعمال و کاربرد مفهومی را ایفا می‌کنند، به اختصار تعریف می‌شوند:

استشراق و مستشرق

تعاریف گوناگونی از شرق‌شناسی یا استشراق، از سوی اندیشمندان غربی و شرقی ارائه شده است. ادوارد سعید در تعریف استشراق یا خاورشناسی می‌گوید: «اگر اواخر قرن هجده را به‌عنوان نقطه شروع شرق‌شناسی در نظر بگیریم که از آن مرحله به بعد شرق‌شناسی تا حدودی معنای امروزی خود را یافت، باید شرق‌شناسی را به‌عنوان یک نهاد ثبت شده و دارای تشخص که با شرق سروکار دارد، مورد بحث و بررسی قرار داد. این امر سروکار داشتن به معنای اظهار نظر کردن پیرامون موضوع آن و رسمیت بخشیدن به نظرات گوناگون در مورد آن، شرح و توصیف آن و سرانجام تعلیم دادن، تنظیم و داوری کردن درباره آن است» (سعید، ۱۳۷۱: ۱۶).

جنگ

درباره جنگ نیز، همانند سایر مفاهیم تعریف‌های مختلفی بیان شده است که هر یک بیانگر نگرشی خاص به جنگ است. برخی جنگ را خشونت‌ناز سازمان‌یافته می‌دانند که دو یا چند کشور علیه همدیگر انجام می‌دهند. این تعریف، جنگ‌های داخلی را دربرنمی‌گیرد. برخی دیگر معتقدند جنگ به کارگیری حد اعلای خشونت در راه خدمت به دولت یا کشور است؛ عده‌ای هم در تعریفی جامع‌تر گفته‌اند: «جنگ هنر سازمان دادن و به کار گرفتن نیروهای مسلح برای انجام مقصود است» (شیرودی، ۱۳۸۵: ۵۶).

علامه طباطبایی هم نظر به تبیین دستور قرآن به مسلمانان پیرامون حفظ آمادگی رزمی و تجهیز قوا، در تفسیر آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...»؛ (انفال/ ۶۰) می‌فرماید: «مسأله جنگ و جدال و اختلافاتی که منجر به جنگ‌های خسارت‌زا می‌شود، امری است که در مجتمعات بشری، گریزی از آن نبوده و خواه ناخواه پیش می‌آید و اگر این امر قهری نبود، انسان در خلقتش به قوائی که جز در مواقع دفاع به کار نمی‌رود، از قبیل غضب و شدت و نیروی فکری، مجهز نمی‌شد. پس اینکه می‌بینیم انسان به چنین قوائی در بدن و در فکرش

مجهز است، خود دلیل بر این است که وقوع جنگ امری است اجتناب‌ناپذیر و چون چنین است به حکم فطرت بر جامعه اسلامی واجب است که همیشه و در هر حال تا آنجا که می‌تواند و به همان مقداری که احتمال می‌دهد دشمنش مجهز باشد، مجتمع صالحش را مجهز کند» (طباطبایی، ۱۳۸۹ ج ۹: ۱۵۱).

جهاد

در فرهنگ معین واژه «جهاد» به این معانی آمده است: «کارزار کردن، جنگ کردن. جنگیدن در راه حق، جنگ دینی، غزوه مسلمانان با کافران» (معین، ۱۳۸۲: ذیل مدخل). اما در اصطلاح دینی، جهاد یکی از فروع ده‌گانه اسلام و عبارت از تکلیفی شرعی است که بر اساس آن هر مکلفی موظف است با صدور دستور امام مسلمین، در برابر خصم انجام دهد. یکی از اندیشمندان معاصر در تعریف «جهاد» گفته است: «واژه جهاد و مشتقات آن ۳۵ بار در قرآن به کار رفته است. جهاد در لغت به معنای تلاش کردن و به کار گرفتن نیرو و توان خویش برای تحقق بخشیدن به یک هدف می‌باشد؛ لکن چون از باب مفاعله است، در مواردی به کار می‌رود که نوعی همکاری، تقابل و رقابت در آن وجود دارد. بنابراین در جهاد معمولاً طرف دیگری هم در کار است و دوطرف در برابر هم، صف‌آرایی کرده، هر یک برای دستیابی به هدف خویش و پیروزی بر دیگری به فعالیت می‌پردازد و هر چه در توان دارد به کار می‌گیرد. البته باید توجه داشت که جهاد تنها شکل نظامی ندارد و هر نوع مبارزه و پیکاری، خواه نظامی باشد، یا اقتصادی یا فرهنگی و سیاسی، همه را دربرمی‌گیرد» (مصباح یزدی، ۱۳۸۳: ۱۹).

در یک نگاه کلی جهاد با دشمن به دو نوع «جهاد ابتدایی» و «جهاد دفاعی» تقسیم شده که تعریفی از هر کدام ارائه می‌شود:

برخی نویسندگان در تعریف «جهاد ابتدایی» گفته‌اند: «خداوند دستورها و برنامه‌هایی برای سعادت و آزادی و تکامل و خوشبختی و آسایش انسان‌ها طرح کرده است و پیامبران خود را موظف ساخته که این دستورها را به مردم ابلاغ کنند؛ حال اگر فرد یا جمعیتی موانعی ایجاد نماید، آنها حق دارند نخست از طرق مسالمت‌آمیز و اگر ممکن نشد با توسل به زور، این موانع را از سر راه دعوت خود بردارند و آزادی تبلیغ را برای خود کسب کنند. به عبارت

دیگر، مردم در همه اجتماعات این حق را دارند که ندای منادیان حق را بشنوند و در قبول دعوت آن‌ها آزاد باشند، حال اگر کسانی بخواهند آنها را از حق مشروعشان محروم سازند و اجازه ندهند صدای منادیان راه خدا به گوش آن‌ها برسد تا از قید اسارت و بردگی فکری و اجتماعی آزاد شوند، طرفداران این برنامه‌ها حق دارند برای فراهم ساختن این آزادی از هر وسیله‌ای استفاده کنند و از اینجا ضرورت «جهاد ابتدایی» در اسلام و سایر شرایع آسمانی روشن می‌شود. همچنین اگر کسانی مؤمنان را تحت فشار قرار دهند که به آیین سابق بازگردند، برای رفع این فشار نیز از هر وسیله‌ای می‌توان استفاده کرد» (حیدری کاشانی، ۱۳۶۷: ۶۲-۶۳). پاره‌ای دلایل جواز جهاد ابتدایی به شرح جدول زیر است:

جدول شماره ۱: دلایل و شواهد جواز جهاد ابتدایی

سیرهٔ رسول‌الله (ص) که پیامبر و سپاه او در حالت دفاع نبوده‌اند؛ مانند جنگ بدر کبری و جنگ خیبر و...	دلیل اول
که به خاطر رفع فتنه و جلوگیری از خطر کفار به ضرورت آن حکم گردیده است (ر.ک: بقره/ ۱۹۲؛ انفال/ ۳۹؛ نساء/ ۸۴).	دلیل دوم
اطلاق آیات قرآن کریم.	دلیل سوم
آیات آغازین سورهٔ براءت که ده آیه ابتدای آن در تشریح جهاد ابتدایی‌اند (ر.ک: شیب، ۱۳۶۹: ۳۹-۲۹).	دلیل چهارم

در تعریف «جهاد دفاعی» نیز گفته‌اند: «گاهی جنگ بر فرد و یا گروهی تحمیل می‌شود؛ به این معنی که مورد هجوم و تجاوز حساب شده و یا غافلگیرانه دشمن قرار می‌گیرد؛ در اینجا تمام قوانین آسمانی و بشری به شخص یا گروهی که مورد هجوم واقع شده حق می‌دهد که برای دفاع از خویش به پا خیزد و آنچه در قدرت و توان دارد، به کار گیرد و از هرگونه اقدامی برای حفظ موجودیت خود فروگذار نکند، این نوع جهاد را جهاد دفاعی گویند. جنگ‌هایی مانند: احزاب، احد، تبوک، حنین و بعضی دیگر از جنگ‌های اسلامی جزء این بخش از جهاد بوده و جنبه دفاعی داشته‌است» (حیدری کاشانی، ۱۳۶۷: ۳۳-۳۲).

در تحلیلی منطقی و با دقت در غرض و غایت هر دو نوع جهاد ابتدایی و دفاعی که همانا برداشتن موانع مزاحم، بر سر راه تکامل و آزادی بشر است، هر دو نوع جهاد ابتدایی و دفاعی به یک هدف واحد منتهی می‌شود که عبارت از دفاع از ارزش‌های والای انسانی و آزادی بشر از قید و بند اسارت ظالمان است. بر این اساس، اهداف جهادی اسلام، صرفاً

دفاعی است و جهاد ابتدایی و حتی جهاد با نفس نیز به نوعی به جهاد دفاعی برگشت می‌کند که هدف، در همه آنها، دفاع از ارزش‌های فطری، اخلاقی و اعتقادی بشر است.

۲. بحث

از نظر برخی مستشرقان، در قرآن کریم آیاتی درباره جهاد وارد شده که برخی از این آیات به صورت مطلق فرمان جهاد با همه کافران را صادر کرده و برخی آیات دیگر، وجوب جهاد را مقید به کافرانی نموده که به دشمنی و تجاوز علیه مسلمانان به پا خاسته‌اند. این نوشتار در جمع بین این دو دسته آیات، بار دیگر گونه تفاوت موضوعی و مبنایی بین این آیات، از بعضی مفسران نقل نموده که شرایط سیاسی مسلمانان در زمان نزول این دو گروه آیات متفاوت بوده است؛ ضمن اینکه از میان مستشرقان کسانی هم هستند که دیدگاهی واقع‌گرا و توأم با انصاف پیرامون جهاد اسلام مطرح کرده‌اند که تحقیق حاضر از آن‌ها با عنوان «مستشرقان منصف» یاد کرده است. اما پیش از پرداختن به آرای مستشرقان، به اختصار اهداف اجتماعی جهاد در قرآن بیان می‌شود:

۱-۲. علل تشریح جهاد و اهداف اجتماعی آن

جهاد یکی از احکام مختص اسلام است که در ادیان گذشته به شکل بارزی وجود نداشته است اما این حکم فقط در موضع دفاع از حق و دفاع از خود جایز است و راه را برای تجاوز و تعدی برای احدی باز نکرده است. لذا در دوران ۱۳ سالی رسالت پیامبر در مکه دستور جهاد صادر نشد و همواره فرمان مدارا با دشمن بود و نزدیک به هفتاد آیه در نهی از جنگ و قتال وارد شده است. تا آنکه پیامبر گرامی اسلام (ص) را از مکه اخراج نمودند و در مدینه قصد ترور او را کردند که آیات جهاد در سال دوم هجری نازل شد (ر.ک: حج / ۴۰ - ۳۹)؛ بنابراین در یک جمع‌بندی کلی، علل تشریح جهاد در موارد ذیل قابل احصاست که تماماً به خاطر صیانت از خود و اجتماع است:

جدول شماره ۲: علل تشریح حکم جهاد از دیدگاه قرآن

مورد ظلم واقع شدن مسلمانان به دست مشرکین؛	علت اول
اخراج مسلمانان از خانه و دیارشان؛	علت دوم
حفظ مراکز عبادت مانند: مساجد، کلیساها، نمازخانه‌ها و صومعه‌ها؛	علت سوم

باتوجه به موارد یادشده به‌خوبی روشن می‌شود که تشریح جهاد، برای حفظ عزت و عظمت بشریت و اجتماع مسلمانان است که در سایهٔ جهاد، مراکز دینی و عبادی همچون «مساجد» که مهم‌ترین شعائر و علامت‌های اجتماع دینی است، محفوظ بماند. به دیگر سخن، در امم گذشته، خداوند مخالفان دین را با عذاب‌هایی چون: مسخ، طوفان، صاعقه و... ناپود می‌کرد اما در اسلام، وظیفه حفظ کیان اسلام و جامعه اسلامی را برعهده مسلمانان گذاشته است؛ ضمن آنکه خداوند همواره یار و یاور مؤمنین بوده و آن‌ها را هرچند اندک هم باشند، یاری می‌رساند. مرحوم علامه طباطبائی جنگ بعضی از مردم با بعضی دیگر را برای منافع حیات و حفظ سلامت زندگی، سنت فطری و جاری در بین مردم می‌داند و هر سنت فطری را منتهی به سنن الهی می‌بیند؛ شاهد این مدعا را نیز تجهیز انسان به قوایی برای دفع شرور و بلا یا معرفی می‌کند (طباطبائی، ۱۳۸۹، ج ۱۰: ۱۲۹؛ همان، ج ۱۴: ۴۲۳).

۲-۲. شبهات مستشرقان پیرامون جنگ و جهاد در اسلام

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که به بحث جهاد در برابر دشمنان و اهل بغی پرداخته‌اند که از سوی دشمنان اسلام، به‌ویژه آن دسته کشورهای غربی که مراکز ضد اسلامی و یا پژوهشکده‌های استشرافی با اهداف تحقیقاتی تبشیری علیه اسلام و قرآن تأسیس کرده‌اند، این آیات دستاویزی شده است تا در سایه آن بتوانند مردم دنیا را نسبت به اسلام و مسلمین بدبین نموده و راه گسترش اسلام را در جهان سد نمایند. لذا در این راستا دست به تبلیغات منفی دامنه‌داری زده و شبهاتی پیرامون جهاد در اسلام و آیات قرآنی ناظر بر آن مطرح کرده‌اند که مطالعه حاضر چهار شبههٔ اصلی مطرح شده از سوی مستشرقان را به شرح زیر ذکر و سپس با استفاده از آراء و نظرات اندیشمندان مسلمان و برخی مستشرقان منصف، آن شبهات را نقد می‌نماید:

شبههٔ اول: تنافی و تضاد میان آیات مرتبط با جهاد از حیث اطلاق و تقیید

ریون فایرستون در مقاله «جنگ» در دایرةالمعارف قرآن می‌گوید: «قرآن در برخی آیات، مردم را از جنگ باز می‌دارد، گرچه جنگ برای دفاع را اجازه می‌دهد. همچنین در برخی آیات، جنگ را با شرایط خاصی مجاز می‌داند اما در آیات دیگری فرمان بی‌قید و

شرایط به جهاد می‌دهد؛ نظیر: *كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ* (بقره/ ۲۱۶) و در مقام جمع این آیات از قول مفسران می‌نویسد که دوران حیات حضرت محمد^(ص) شرایط و مراحل مختلفی داشته است (Jane dammen mcauliffe, 2002, Vol 2: 208)

نقد شبهه اول

«مطلق» – آنگونه که سیوطی گفت است – آن است که بر ماهیت بدون قید دلالت کند؛ مانند: شهادت دو عادل و «مقید» آن حکم مطلق است که دلیلی بر تقیید آن یافت شود؛ مانند: مواریث زوجین که ابتدا به صورت مطلق بیان شده، سپس با جدا کردن موارد وصیت و دین از آن، قید خورده است؛ (ر.ک: سیوطی، بی تا: نوع چهل و نهم). آنچه که برخی مستشرقان، مستقیماً یا به نقل از مسلمانان درباره نزول آیات مطلق و مقید قرآن در موضوع جهاد گفته‌اند، حکایت از آن دارد که در کتب درست و دقیقی از حکمت این دو دسته آیات پیدا نکرده‌اند؛ چه، هر کدام از این دسته آیات، ناظر به احکامی مخصوص به خود است که خداوند متعال هر کدام را برای موضوع خاصی و به تناسب شرایط ویژه‌ای که مسلمانان با آن روبرو بوده یا با آن مواجه خواهند شد، تشریح فرموده است. مفسران مسلمان در مقام جمع بین آیات این چنین اظهار نظر کرده‌اند که دوران حیات حضرت محمد^(ص) شرایط و مراحل مختلفی داشته است که هر مرحله، مقتضای شرایط خاصی بوده که مستشرقان بدون توجه به این شرایط اظهار نظر کرده‌اند. اشکال دیگری که بر این اظهار نظر مستشرقان همسو با سایر نظرات‌شان سایه افکنده است، نگاه بشری به قرآن و ساخته و پرداخته دانستن آن به دست حضرت محمد^(ص) است که بارها در آثار بسیاری از دانشمندان حقیقت‌جوی مسلمان و غیر مسلمان نیز ثابت گردیده که قرآن کریم تماماً کلام خدا و نازل شده از سوی اوست و نقش پیامبر اسلام^(ص)، جز دریافت وحی و ابلاغ آن به مردم و تلاش در جهت تعلیم و بسط معارف قرآن، چیز دیگری نبوده است.

شبهه دوم: پیروزی‌های اولیه اسلام در سایه شمشیرها نه از ماهیت اسلام و

اقبال مردم

یکی دیگر از شبهات خاورشناسان درباره جهاد در اسلام، تحمیل اسلام به مردم دنیا در سایه شمشیر و توسل به اجبار بوده است و این شبهه به‌طور گسترده‌ای مورد تمسک مستشرقان واقع شده است، چنانکه منتسکیو می‌گوید: «دیانت اسلام که به زور شمشیر بر مردم تحمیل

شده است، چون اساس آن متکی بر زور و اجبار بوده، باعث سختی [رفتار] شده و اخلاق و روحیات مردم را سخت می‌کند» (منتسکیو، ۱۳۴۹: ۶۷۱).

نقد شبههٔ دوم

راجع به پیشرفت اسلام و پذیرش گسترده این آیین الهی از طرف سایر ملت‌ها، باید گفت اگر در تاریخ صدر اسلام و نیز قرن‌های بعدی شاهد پیشرفت دین اسلام در جهان و اقبال مردم کشورهای مختلف از این دعوت آسمانی هستیم، استقبال مردم این سرزمین‌ها مرهون درون‌مایه‌های عقلانی و موافق با خاستگاه فطرت پاک انسانی و جذابیت فرهنگ و معارف اسلامی بوده که موجب علاقه‌مندی و ایمان آنان به اسلام شده است؛ مانند: عدالت‌گستری، مواسات مؤمنانه و مساوات مسلمانان با یکدیگر، عدم تعدی و تجاوز به همدیگر، تقوا و پرهیزگاری ملاک برتری نه مظاهر و ظواهر مادی و

دلیل روشن‌تر بر عدم اجبار کسانی که به اسلام گرویده‌اند، خود قرآن است که با عبارت «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»، صریحاً از آن نهی کرده است. علامه طباطبایی ذیل آیه ۲۵۶ بقره که می‌فرماید: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»، در رد شبهه یاد شده بالا آورده است: «این آیه شریفه یکی از آیاتی است که دلالت می‌کند بر اینکه مبنا و اساس دین اسلام شمشیر و خون نیست و اکراه و زور را تجویز نکرده، پس سست بودن سخن عده‌ای که خود را دانشمند دانسته یا متدین به ادیان دیگرند و یا به هیچ دینانی متدین نیستند و گفته‌اند: اسلام دین شمشیر است و به مسأله جهاد که یکی از ارکان این دین است، استدلال نموده‌اند، معلوم می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۵۲۵-۵۲۴).

ضمن آنکه ارزش مسائل اعتقادی به آن است که با خواست و اراده و اختیار شخصی باشد نه از سر اکراه و اجبار؛ چنانکه اگر ایمان بندگان از این راه پسندیده بود، خود خداوند پیش‌تر از همه با قدرت غالب و قاهرهٔ خود مردم را مجبور به آن می‌فرمود، اما ایمان و اعتقادی که ناشی از زور و اجبار باشد، نه ارزشمند است و نه منشأ اثر؛ از این روست که خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (یونس / ۹۹). بنابراین اگر این مستشرقان - همچنانکه برخی محققین گفته‌اند - به

آیات قرآن توجه نموده، از سخنان و تقریرهای دانشمندان اسلامی بهره‌مند می‌شدند و بر روایات صحیح اعتماد نموده و عالمانه و موضوعی در قرآن کاوش می‌کردند، به نتایجی دقیق‌تر می‌رسیدند (ر.ک: رضوان، ۱۴۱۳: ۵۰۲ به بعد).

سید قطب که از جنبه‌های مختلف به موضوع جهاد در اسلام پرداخته است، علت پیشرفت اسلام و عامل تأثیرگذار در پیروزی‌های درخشان سپاه اسلام را، قوانین عادلانه و نظامات اجتماعی مبتنی بر تساوی و تعادل در میان همه افراد و اقشار جامعه دانسته و می‌گوید: «ساکنان ممالک مفتوحه وقتی می‌دیدند تمام کارها طبق قوانین عادلانه انجام شده و نظامات اجتماعی اسلام نسبت به همه به‌طور تساوی اجرا می‌شود و در نتیجه مردم به رفاه و سعادت همه‌جانبه می‌رسند، ندای اسلام را پاسخ مثبت گفته و عضویت جمعیت جهان مزبور (جهان اسلام) را با جان و دل می‌پذیرفتند. اینان که به زیر سایه پرچم اسلامی پناهنده می‌شدند، پس از مدتی خود [پرچم] آن را به دوش کشیده و هدف آن را دنبال می‌کردند» (سید قطب، ۱۳۵۹: ۴۲-۴۳).

از آنچه گفته شد، روشن می‌شود که اقبال دیگر ملت‌ها به اسلام و گسترش سریع آخرین شریعت الهی، برگرفته از جوهره جذاب دین مبین اسلام و خلق و خوی نیکوی مسلمانان حقیقی است که در اخلاق حسنه، از پیامبر اسلام (ص)، که پیام‌آور رحمت است، الگو گرفته و همین ماهیت جذاب اسلام و خوی پسندیده مسلمانان راستین موجب گسترش روز افزون اسلام و اقبال بیش از پیش ملت‌های دیگر به آن شده است.

شبهه سوم: علاقه اعراب به کشورگشایی و دستیابی به غنایم، عامل اصلی پیروزی‌های اولیه اسلام

از دیگر شبهات خاورشناسان درخصوص موضوع جهاد در اسلام و پیروزی‌های خیره‌کننده مسلمین صدر اول، ناظر بر انگیزه‌های دنیایی و مسائل حقیری چون: میل به غنایم جنگی و کشورگشایی و دسترسی به سرزمین‌های سرسبز و آباد دیگر سرزمین‌هاست؛ چنانکه از توماس آرنولد نقل شده که گفته است: «روحیه پست مادی و علاقه اعراب برای به چنگ آوردن غنایم، عامل اصلی و نیروی اساسی به پا دارنده پیروزی‌هایشان بوده است؛ زیرا اعراب اقوام صاحب

پشتکار و سخت کوش‌اند. این قوم برای فرار از مشکل گرسنگی نیازمند ترک صحرای خشک و رسیدن به اراضی پر ثروت و مرفه مجاور خویش بودند» (شوقی، ۱۳۵۵: ۳۹۵).
آلبرت حورانی نیز، انگیزه اقتصادی و کشورگشایی را مهم‌ترین عامل موفقیت مسلمین و پیشروی آنان در سایر سرزمین‌های جهان می‌داند (حورانی، ۱۳۸۴: ۴۸-۴۷).

نقد شبهه سوم

در رد این ادعا نگاهی تاریخی به وقایع صدر اسلام و نوع دعوت پیامبر اسلام (ص) و پیشنهادهایی که از سوی مشرکان برای دست کشیدن از دعوت جهانی‌اش مطرح گردید، بی‌اساس بودن این شبهه را روشن می‌نماید. یکی از نویسندگان در این باره گفته است: «مشرکان قریش در سال‌های اولیه بعثت پیامبر اکرم (ص) برای آن که او را از دعوتش منصرف کنند، پیشنهاد کردند هر مقدار ثروت و هر مقامی را که بخواهد در اختیارش می‌گذارند، اما پاسخ پیامبر اسلام (ص) این بود که اگر خورشید را در دست راست و ماه را در دست چپ من قرار دهید (کنایه از این که اگر تمام عالم را به من بدهید)، دست از دعوت خود بر نمی‌دارم (آیتی، ۱۳۸۵: ۸۵).

پس از گسترش اسلام و در اوج عزت و عظمت بودن پیامبر اسلام (ص)، زندگی آن حضرت هرگز رنگ اشرافیت نیافت و همچنان زندگی را به سادگی و به دور از هر گونه آلایشی سپری می‌کرد، تا آن حد ساده که اعتراض برخی از همسرانش را برانگیخت تا اینکه آیه ۲۸ سوره احزاب از جانب خدا نازل شد و به آن حضرت اینگونه دستور داده شد که: «ای پیامبر! به همسرانت بگو اگر شما زندگی دنیا و زرق و برق آن را می‌خواهید، بیاید با هدیه‌ای شما را بهره‌مند کنم و شما را به طرز نیکی رها سازم».

از سوی دیگر، نگاهی به آیات قرآن که کلمه «جهاد» و «قتال» در آن‌ها آمده، جهت و مآل جهاد را مشخص می‌کند که فقط در راه خدا جهاد جایز است؛ چنانکه ۱۱ بار واژه جهاد و ۲۰ بار واژه قتال با کلمه «فی سبیل الله» ذکر شده است. بنابراین، این شبهه با ماهیت حقیقی اهداف جهاد اسلامی سازگار نیست و با اهداف جاه‌طلبانه و دنیایی مانند: کسب غنیمت، کشورگشایی، دستیابی به سرزمین‌های سرسبز دیگر مردمان و... هیچ‌گونه همخوانی ندارد.

شبهه چهارم: حکم جهاد در اسلام، اعلان جنگ دائمی به همه دنیا

یکی از شبهات شایع مستشرقان پیرامون اسلام، القای جنگ‌محوری و صلح‌گریزی

اسلام است؛ چنانکه جیمس لوریمر نوشته: «تا زمانی که اسلام باقی است، صلح و سازش پیروان اسلام حتی با کلیمی‌ها و مسیحی‌ها و از این بالاتر با سایر افراد بشر، یک مسأله لاینحل خواهد بود» (لوریمر، ۱۸۸۳، ج ۱: ۱۰۱).

برنارد لویس انگلیسی نیز معتقد است: «اسلام خود را تنها دین بر حق، نهایی و جهانی می‌شناسد و بر اساس تفوق و برتری مسلمانان و کشور اسلامی، سیاست‌گذاری نموده است و جهان را به دو ناحیه دارالاسلام و دارالکفر تقسیم نموده و بین آن دو، حالت جنگ دائمی برقرار کرده است، تا زمانی که جهان را تحت کنترل خود آورد... حکومت اسلامی همواره بر این عقیده است که همه مردم جهان یا باید مسلمان شوند، یا خود را برای جنگ با اسلام آماده نمایند» (بهزادی، ۱۳۵۱: ۱۱۷-۱۱۶).

نقد شبهه چهارم

خداوند در آیات متعددی مسلمانان را به صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز با پیروان سایر ادیان و حتی کفار فرامی‌خواند و دستور می‌دهد چنانکه آنان زیانی متوجه جامعه اسلامی نمایند و از جنگ با مسلمانان خودداری کنند، جنگ با آنان ممنوع است که در زیر به برخی از این آیات اشاره می‌شود:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» ای مؤمنان همگی در صلح و آشتی درآید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست» (البقره/ ۲۰۸).

«وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» اگر دشمنان برای صلح مایل شوند، تو نیز قبول کن و بر خدا توکل نما چه آنکه خدا کاملاً شنوا و دانا می‌باشد» (انفال/ ۶۱).

«لَا يَهَاجِرُ اللَّهُ عَنْ الدِّينِ لَهَيْبَاتِهِ لَكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» خداوند شما را از دیارتان بیرون نراند، منع نمی‌کند که از آنها بیزارى جوئید بلکه می‌خواهد به عدالت با آنان رفتار کنید، خدا عادلان را دوست دارد» (الممتحنه/ ۸).

«فَإِنْ اعْتَرَفْتُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَ أَلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا» اگر از شما کناره گرفتند و با شما جنگیدند و پیشنهاد صلح دادند، خدا برای شما راهی (برای

جنگ) علیه آنها قرار نداده است» (النساء/۹۰)؛ یعنی پس از پیشنهاد صلح از سوی دشمنان، شما حق جنگیدن ندارید.

یکی از محققین اسلامی گفته است: «اگر بنا بود جنگ میان کشورها حالت عادی باشد، قرآن هیچ‌گاه مسلمانان را به صلح دعوت نمی‌کرد. و نیز در سنت پیامبر (ص) نمونه‌های قابل عنایتی در این زمینه به چشم می‌خورد؛ به طوری که پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «ای انسان‌ها! تمایل نداشته باشید که با دشمن روبه‌رو شوید. از خداوند عافیت و صلح و سلامت بخواهید؛ اما در صورت جنگ با دشمن، صبر و پایداری پیشه کنید و بدانید که جنگ، زیر سایهٔ شمشیرهاست» (حسینی، ۱۳۸۲: ۹۲-۹۰).

این روایت نشان می‌دهد که در اسلام جنگ فقط یک ضرورت تلقی می‌شود که در صورت بروز، چاره‌ای جز پایداری و پایمردی نیست اما خونریزی و قتال، از اساس پسندیده نبوده است؛ لذا با عنایت به فراز پایانی روایت، فراز اول آن نیز تبیین می‌شود. همان حضرت در روایت دیگری خطاب به جنگجویان مسلمان فرمود: «من بیشتر دوست دارم که شما را هنگام بازگشت، همراه با مردمی ببینم که به اسلام گرویده‌اند، نه با عده‌ای کودک و زن که پدران و شوهرانشان را کشته‌اید» (همان: ۹۲-۹۰).

آیات و روایات یادشده، تنها بخش اندکی از متون دینی اسلام است که بر صلح و زندگی مسالمت‌آمیز انسان‌ها و از جمله مسلمانان با دیگران تأکید کرده‌اند و گویای این حقیقت‌اند که پایه و اساس اسلام مبتنی بر صلح و آرامش و تعامل سازنده با پیروان سایر ادیان آسمانی و غیر آنهاست.

جدول شماره ۳: خلاصه شبهات چهارگانه مستشرقان و پاسخ اجمالی به آنها

شبهات	پاسخ اجمالی به شبهه‌ها
تنافی و تضاد میان آیات مرتبط با جهاد از حیث اطلاق و تقیید	هر کدام از این دسته آیات ناظر به احکامی مخصوص به خود بوده که خداوند متعال هر کدام را برای موضوع خاصی و به تناسب شرایط ویژه‌ای تشریح فرموده است. - دوران حیات حضرت محمد (ص)، شرایط و مراحل مختلفی داشته که هر مرحله، مقتضی شرایط خاصی بوده است. - نگاه بشری مستشرقان به قرآن و ساخته و پرداخته دانستن آن به دست حضرت محمد (ص)، موجب طرح شبهه برای آنان شده است.

شبهات	پاسخ اجمالی به شبهه‌ها
پیروزی‌های اولیه اسلام در سایه شمشیرها نه از ماهیت اسلام و اقبال مردم	مهم‌ترین علل پیروزی‌های درخشان و گسترش سریع اسلام، عوامل زیر است: - جهان‌بینی وایدنولوژی عقلانی اسلام؛ - استقبال مردم از عناصر جذاب در درون فرهنگ و معارف اسلام مانند: عدالت، مساوات، اخلاق فاضله و...؛ - عدم اجبار و اکراه در پذیرش اسلام.
علاقه اعراب به کشورگشایی و دستیابی به غنایم، عامل اصلی پیروزی‌های اولیه اسلام	- سیره زندگی پیامبر اکرم ^(ص) در رد پیشنهادهای خیره‌کننده مادی و دنیایی مشرکان در صورت دست کشیدن از دعوت به اسلام و گذران زندگی آن حضرت به شکل بسیار ساده و تغییر نکردن همین شیوه ساده‌زیستی در اوج قدرت و عظمت اسلام در سال‌های پایانی عمر شریف‌شان، گواه روشنی بر اهداف مقدس غیردنیایی و غیرمادی در جهاد اسلامی است. - فهم دقیق آیات قرآن، گواه آن است که هدف از جهاد، دفاع از ارزش‌های مقدس و راه و مسیر الهی است؛ چنانکه کلمه «جهاد»، ۱۱ بار و کلمه «قتال» ۲۰ بار (با کلمه فی سبیل الله) در قرآن کریم ذکر شده است. بنابراین، این شبهه با ماهیت حقیقی اهداف جهاد اسلامی سازگار نیست و با اهداف جاه‌طلبانه و دنیایی مانند: کسب غنیمت، کشورگشایی، دستیابی به سرزمین‌های سرسبز دنیا و... هیچ‌گونه همخوانی ندارد.
حکم جهاد در اسلام، اعلان جنگ دائمی به همه دنیا	- اسلام مایه صلح و امنیت است نه سبب خطر و ناآرامی در جهان؛ - اگر محور اصلی قرآن مبتنی بر جنگ بود، هیچ‌گاه مسلمانان را به صلح دعوت نمی‌کرد و نیز در سنت پیامبر ^(ص) نمونه‌های قابل توجهی در این زمینه به چشم می‌خورد که مسلمانان را به صلح و دوستی و پرهیز از جنگ تا سرحد امکان سفارش و دستور فرموده است.

۳-۲. آرای خاورشناسان منصف پیرامون آیات ناظر بر حکم جهاد در قرآن

در مقابل آن دسته از مستشرقان که در موضع ستیز یا تجاهل و یا ناآگاهانه، حقیقت جهاد اسلامی را نادرست به جهانیان معرفی کرده‌اند، برخی دیگر از خاورشناسان، موضعی منصفانه اتخاذ و احکام جهاد در اسلام و آیات قرآنی ناظر بر جهاد را آن‌گونه که حق است، معرفی و تبیین نموده و بر آن دسته از مستشرقان که علیه اسلام سخن گفته‌اند، خرده گرفته و اظهاراتشان را دور از منطق و ناصواب خوانده‌اند و علت پیشرفت‌های مسلمانان و انتشار اسلام به دیگر کشورها، به‌ویژه کشورهای اروپایی را، ناشی از جوهره ذاتی اسلام و برخورد عادلانه و توأم با احترام مسلمانان فاتح نسبت به مردم سرزمین‌های مفتوحه و آزاد گذاشتن آنان در انتخاب اسلام یا باقی ماندن بر آیین خود دانسته‌اند که در جدول زیر برخی نظرات از ده تن خاورشناس، که

نوشتار حاضر از آنان به عنوان «خاورشناسان منصف» نام برده، ذکر می‌شود تا با اعترافات همین خاورشناسان، بی‌پایگی شبهات مستشرقانی که پیشرفت اسلام و انتشار برق‌آسای این آیین ناب به دیگر سرزمین‌ها را در سایهٔ شمشیر مسلمانان معرفی کرده‌اند، روشن شود:

جدول شماره ۴: آراء مستشرقان منصف پیرامون آیات جهادی قرآن کریم

نام مستشرق	دیدگاه
۱ رژی بلاشر	پیروزی محمد ^(ص) از سوی خداست و فرشتگان به فرمان خدا یاری‌دهندگان اویند. سپاه اسلام از آترو شکست نمی‌خورد که مرگب از انسان‌هایی است پرهیزگار و شایسته، انسان‌هایی که شایستگی یاری و کمک یافتن از سوی خدا را دارند (بلاشر، ۱۳۷۲: ۸۸).
۲ موریس بوکای	- اسلام، دین عشق است. - در غرب، عبارت «جنگ مقدس» یا جهاد، غلط تفسیر و ترجمه شده است؛ در حقیقت «الجهاد فی سبیل الله»، تلاش برای گسترش اسلام و دفاع از آن در مقابل متجاوزین است. - ماهیت دین اسلام برخلاف تصور برخی - که آن را دین وحشت می‌دانند - جذاب و گیراست، منادی صلح و عدالت، برادری و برابری و به تعبیر زیباتر، داعیه‌دار عشق و محبت. - اخلاق‌مداری نیز واقعیت مشهود و غیرقابل انکار ماهیت بی‌بدیل اسلام است؛ به طوری که در اسلام، اخلاق، مبنا و محور تمام اصول و فروع در تمام زمینه‌هاست. - جهاد، برای گسترش حقوق خداوند و تعمیم حقوق فطری بشر در تمام سرزمین‌های عالم است (بوکای، ۱۳۸۷: ۱۹۰-۱۸۹).
۳ ادوارد براون	این تصور که جنگجویان اسلام اقوام و ممالک مفتوحه را در انتخاب یکی از دو راه مخیر می‌ساختند، اول قرآن و دوم شمشیر، صحیح نیست؛ زیرا گبر و ترسا و یهود اجازه داشتند آیین خود را نگاه دارند و فقط مجبور به دادن جزیه بودند و این ترتیب کاملاً عادلانه بود؛ زیرا اتباع غیرمسلم خلفا از شرکت در غزوات و دادن خمس و زکات که بر امت پیامبر ^(ص) فرض بود، معاف بودند (براون، ۱۳۶۷، ج ۱: ۲۶۷).

دیدگاه	نام مستشرق	
<p>زور شمشیر هم موجب پیشرفت قرآن نگشت، زیرا رسم اعراب این بود که هر کجا را فتح می‌کردند، مردم آنجا را در دین خود آزاد می‌گذاشتند و اینکه مردم مسیحی از دین خود دست برمی‌داشتند و به دین اسلام می‌گرویدند و زبان عرب را بر زبان مادری خود انتخاب می‌کردند، بدان جهت بود که عدل و دادی که از آن عرب‌های فاتح می‌دیدند، مانندش را در زمامداران پیشین خود ندیده بودند و برای آن سادگی و سهولتی بود که در دین اسلام مشاهده می‌کردند و نظیرش را در کیش قبلی سراغ نداشتند (لوپون، ۱۳۸۷: ۱۴۵).</p>	گوستاو لوپون	۴
<p>بعضی از مسیحیان در مقام طعن و ایراد بر اسلام می‌گویند: محمد (ص) آیین خود را به شمشیر و نوک نیزه نشر داد: گویندگان این حرف چقدر از حقیقت دور و در خطا هستند؛ زیرا باید نیک تدبیر کنند آن قوه‌ای که این شمشیر را در جزیره‌العرب از غلاف بیرون کرده و برق آن را در قلّه کوه‌های فرانسه و اسپانیا و کنگره طاق مداین تا سمرقند و روی اهرام مصر در دست فاتحین بزرگ ظاهر و نمایان کرد، کدام قوه بود؟ بی‌شک همان قوه، آیین محمد (ص) بود.</p> <p>اکنون وقت آن است که با این سخنان شرم آور به مبارزه برخیزیم؛ زیرا رسالتی که این پیامبر انجام داد، همچون چراغ نورافکنی است که دوازده قرن صدها میلیون انسان هم نوع ما را هدایت کرده است. محمد در دیدگاه من قطره‌ای از جوهره حقیقت عالم بود. سطح شخصیتی او برتر از آن بود که به خواسته حقیر و ناچیزی چون: سلطنت و حکومت و مانند آن بیندیشد. محمد ستاره و شهاب نورافشانی بود که تمام عالم را روشن کرد (کارلایل، بی تا: ۵۸-۵۳).</p>	توماس کارلایل	۵
<p>این توهم که در ذهن پاره‌ای اشخاص راه یافته و کسانی که هنوز تصور می‌کنند دینی را که قرآن تعلیم داد، به وسیله شمشیر تبلیغ شده است، یک اشتباه و خبط خارق‌العاده است (دیون پورت، ۱۳۸۴: ۱۲۱).</p> <p>اسلام هیچ‌گاه در اصول عقاید هیچ دینی مداخله نکرده است و هیچ وقت کسی را به این جرم مجازات نکرده است و هیچ‌گاه محکمه تفتیش عقاید (انگیزاسیون) راه نینداخته است و هیچ وقت نظر نداشته است که عقاید دینی را بر دیگران تحمیل کند. بلی دین اسلام را بر دیگران عرضه می‌داشتند، ولی هیچ‌گاه آن را با زور و عُنْف تحمیل نمی‌کردند؛ زیرا که قرآن دستور داده بود: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (همان: ۱۱۸).</p>	جان دیون پارت	۶

نام مستشرق	دیدگاه
۷ ادوارد سعید	اگر عرب‌ها و ترک‌ها و سایر اقوام اسلامی نسبت به مسیحیان همان روشی را اتخاذ می‌کردند که اروپائیان دربارهٔ قرآن داشته‌اند، شاید از دین مسیحیت در مشرق زمین اثری باقی نمی‌ماند (سعید، ۱۳۷۱: ۵۶-۵۵).
۸ لورا واکسیا واکگیری	اگر به پیشگویی‌ها (و سخنان) محمد یا به فتوحات مسلمانان صدر اسلام توجه کنیم، به سهولت خواهیم دید که نهمت تحمیل اسلام با زور و شمشیر تا چه اندازه کذب (و بی‌اساس) است. قرآن می‌گوید: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»: در قبول دین اکراهی نیست؛ «و قل الحق من ربکم فمن شاء فليؤمن و من شاء فليکفر»: و تو سخن حق را از جانب پروردگارت بیان کن! هر کس خواست ایمان بیاورد و هر کس خواست کفر بورزد. محمد (ص) که این همه اصول ملکوتی را همیشه به کار می‌برد، بسیار بردبار بود، مخصوصاً دربارهٔ ادیان توحیدی می‌دانست که تا چه حد باید مدارا کند (واکگیری، ۱۳۳۷: ۱۷).
۹ کت دوگوبینو	اگر اعتقاد مذهبی را از ضرورت سیاسی جدا کنند، هیچ دیانتی تسامح‌جوی‌تر و شاید بی‌تعصب‌تر از اسلام وجود ندارد و در واقع همین تسامح و بی‌تعصبی بود که در قلمرو اسلام بین اقوام و امم گوناگون تعاون و معاضدت را که لازمهٔ پیشرفت تمدن اسلامی است، به وجود آورد و همزیستی مسالمت‌آمیز عناصر نامتجانس را ممکن ساخت. اما آنچه استفاده از این همزیستی را در زمینهٔ علم و فرهنگ فراهم می‌کرد، علاقهٔ مسلمین بود به علم که منشأ آن، تأکید و توصیهٔ اسلام بود در اهمیت و ارزش علم (دوگوبینو، به نقل از زرین کوب، ۱۳۵۲: ۲۵).
۱۰ مونگمری وات	من مسلمانان را رقیبانی که سرزده وارد اروپا شدند، نمی‌دانم بلکه آنان را نمایندگان یک تمدن بزرگ با دستاوردهای بزرگ می‌دانم که به‌خاطر اعتبار و منزلت‌شان بر بخش وسیعی از زمین مسلط شدند و منافعی‌شان به سرزمین‌های مجاور نیز جریان یافت (وات، ۱۳۹۰: ۱۶).

نتیجه

دسته‌ای از خاورشناسان، شبهاتی دربارهٔ احکام جهاد در قرآن مطرح کرده‌اند که به‌طور خاص، چهار شبههٔ «تنافی و تضاد میان آیات مرتبط با جهاد از حیث اطلاق و تقیید»، «پیروزی اسلام در سایهٔ شمشیر»، «علاقهٔ اعراب به کشورگشایی و دستیابی به غنایم، عامل اصلی پیروزی‌های اولیهٔ اسلام» و «حکم جهاد در اسلام، اعلان جنگ دائمی به همهٔ دنیا» که از سوی

خاورشناسان مطرح‌شده، در این تحقیق، مطالعه و مورد نقد واقع گردید. برون‌داد سخنان دانشمندان اسلامی و خاورشناسان منصف غربی، تأکیدی بر این حقیقت است که قرآن کریم به‌عنوان بزرگ‌ترین معجزهٔ پیامبر اسلام^(ص)، کلامی و حیانی و الهی است که از جانب خداوند شامل رهنمودهایی دربارهٔ توحید و معاد و ایمان و عمل صالح است و در این راستا قوانین و احکامی متناسب با فطرت انسان و با لحاظ حکمت و مصلحت بشری وضع نموده است؛ قوانینی که مبتنی بر مدار توحید بوده و تضمین‌کنندهٔ سعادت دنیا و آخرت انسان و مشخص‌کنندهٔ وظایف او در برابر خداوند هستی، خودش، دیگر انسان‌ها و سایر موجودات جهان است و حکم جهاد نیز از این قواعد کلی خارج نیست.

احکام تشریحی قرآن پیرامون «جنگ و جهاد»، احکامی حکیمانه است. اسلام و مسلمانان هرگز درصدد تعدی و تجاوز به هیچ سرزمین و یا ملتی نبوده و جنگ را فقط به‌عنوان یک اضطرار و فقط در مقام دفاع از خود در برابر دشمن متجاوز یا برای نجات مردمی ستمدیده، جایز می‌دانند. هرگونه خشونت، بی‌رحمی، ایجاد وحشت، ترور، جنگ‌طلبی، آدم‌کشی، آزار و آسیب و مزاحمت برای دیگران، از هر امت و آیین و مذهبی که باشند، در دین اسلام جایگاهی ندارد و از دیدگاه اسلام، محکوم و از امور منهی^{عنه} اسلام تلقی می‌گردد. بر این اساس، تمامی گروه‌هایی که به نام اسلام و یا تحت بیرق اسلام و شعارهای اسلامی و با هر نامی از قبیل: القاعده، داعش، سلفیون، وهابیت، گروه‌های تکفیری دیگر و...، در هر سرزمینی، اعم از سرزمین‌های اسلامی و غیراسلامی و با هر شعاری، مرتکب جنایت علیه بشریت می‌شوند، هیچ‌گونه ارتباط حقیقی با اسلام و مبانی صلح‌طلب و رحمت‌گرای اسلام ندارند و همهٔ آنها از نظر اسلام، اهل بغی و ستم بوده و محارب محسوب می‌شوند که باید در دنیا و آخرت در محکمهٔ عدل الهی محاکمه شده و به عقوبت اعمال خود برسند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آیتی، محمدابراهیم. (۱۳۸۵). تاریخ پیامبر اسلام. چاپ هفتم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳. براون، ادوارد. (۱۳۶۷). تاریخ ادبیات ایران. ترجمه فتح‌الله مجتبیایی. چاپ چهارم. تهران: مروارید.
۴. بلاشر، رژی. (۱۳۷۲). درآمدی بر قرآن. ترجمه اسدالله مبشری. تهران: ارغنون.
۵. بوکای، موریس. (۱۳۸۷). بررسی کتاب‌های مقدس در پرتو دانش نوین روز. ترجمه محمود نورمحمدی. قزوین: سایه‌گستر.
۶. بهزادی، حمید. (۱۳۵۱). «روابط بین‌المللی اسلام در دورهٔ امپراتوری عثمانی». نشریهٔ دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. شماره ۱۲. صص: ۱۲۴-۱۱۲.
۷. حسینی، سیدابوالقاسم. (۱۳۸۲). جهاد و حقوق بین‌الملل. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۸. حورانی، آلبرت. (۱۳۸۴). تاریخ مردمان عرب. ترجمه فرید جواهر کلام. تهران: امیرکبیر.
۹. حیدری کاشانی، حسین. (۱۳۶۷). جنگ یا فرمان‌های نظامی در اسلام. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۰. دیون پورت، جان. (۱۳۸۴). عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن. ترجمه سیدغلامرضا سعیدی. قم: دار.
۱۱. رضوان، عمر بن ابراهیم. (۱۴۱۳ ق). «آراء مستشرقان حول القرآن الکریم». درآسه و نقد. جزء دوم. ریاض: دارطیبة للنشر والتوزیع.
۱۲. زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۵۲). کارنامه اسلام. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. سعید، ادوارد. (۱۳۷۱). شرق‌شناسی. ترجمه عبدالرحیم گواهی. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
۱۴. سید قطب، حسن البناء ابوالاعلی مودودی. (۱۳۵۹). فلسفه جهاد در اسلام. ترجمه سیدمحمود خضری. تهران: اسلامی.
۱۵. سیوطی، ابوالفضل جلال‌الدین عبدالرحمن. (بی‌تا). الاتقان فی علوم القرآن. بیروت: منشورات رضی بیدار عزیز.
۱۶. شیب، ابومیش. (۱۳۷۹). الجهاد (تقریری بر بحث آیت‌الله محمد مهدی آصفی). قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۷. شوقی، ابوخلیل. (۱۳۵۵). اسلام در زندان اتهام. ترجمه حسن اکبری مرزناک. تهران: بعثت.
۱۸. شیروودی، مرتضی. (۱۳۸۵). مسائل نظامی و استراتژیکی معاصر. قم: زمزم هدایت.
۱۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۸۹). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. چاپ ۲۹. قم: انتشارات اسلامی.
۲۰. کارلایل، توماس. (بی‌تا). الابطال. ترجمه محمدبن محمد سباغی. مصر: مکتبه الهلال.
۲۱. لویون، گوستاو. (۱۳۸۷). تمدن اسلام و عرب. ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی. تهران: کتابچی.
۲۲. لوریمر، جیمس. (۱۸۸۳ م). مؤسسات حقوق ملل. جلد ۱. ادنبروک.

۲۳. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۳). جنگ و جهاد در قرآن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۴. معین، محمد. (۱۳۸۲). فرهنگ فارسی یک جلدی. تهران. نشر ساحل.
۲۵. منتسکیو، شارل لوئی دوسکوندن. (۱۳۴۹). روح القوانین. ترجمه علی اکبر مهدی. چاپ ششم. تهران: امیرکبیر.
۲۶. وات، مونگمری. (۱۳۹۰). تأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطی. ترجمه حسین عبدالمحمّدی. چاپ دوم. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۷. واگلیری، واکسیا. (۱۳۳۷). پیشرفت سریع اسلام. ترجمه غلامرضا سعیدی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
28. Jane dammen mcauliffe. (2020). Encyclopaedia of the Quran. Vol.2. Brill, Leiden – boston.

